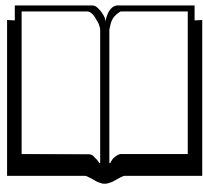


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه درس به درس عربی

کنکوردوازدهم انسانی



« الدَّاءُ وَ الدَّوَاءُ » ❁ « الدَّرْسُ الْأَوَّلُ » ❁

« لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ »

« رحم کن بر بندگان تا که خدا، رحمت باد »

درسنامه ۱: حروف مشبّهة بالفعل

حروفی هستند که بر سر جمله اسمیه می آیند و تغییری در علامت آخر مبتدا ایجاد می کنند و هر کدام معنی و غرض خاصی دارند.

این حروف عبارتند از: **إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ** ناصب اسمند و رافع در خبر

إِنَّ؛ (لِلتَّأْكِيدِ) : همانا، بدرستی که، بی شک، مسلماً و ... : « **إِنَّ** » برای تأکید می آید و باعث تأکید محتوای جمله می شود .

الغَضَبُ مُفسِدَةٌ : خشم مایه تباهی است. / **إِنَّ الغَضَبَ مفسِدَةٌ.** برآستی خشم مایه تباهی است.

إِنَّ؛ تکیه کلام عرب است و در بیشتر جملات لازم نیست ترجمه شود و در تست اگر ترجمه نشود اشکالی ندارد.

شما هم « **إِنَّ** » را فقط در آیات و احادیث ترجمه کنید که جمله تأکیدی شود.

أَنَّ؛ (لِلرَّبِّط) : كه : بين دو جمله می آید و آن دو را به هم ربط می دهد. **إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِكُمْ !** : بدانید كه خداوند آنچه را كه درسینه های شماست می داند.

كَأَنَّ؛ (لِلتَّشْبِيهِ) : گویا، مثل اینکه : بیشتر برای تشبیه و همانند سازی و گاهی برای ایجاد شك و تردید می آید.

﴿ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴾ : گویا آنها مانند یاقوت و مرجان هستند. (لِلتَّشْبِيهِ).

كَأَنَّكَ لَا تَفْهَمُ كَلَامِي : مثل اینکه سخن مرا نفهمیدی! (لِلشَّكِّ) : منظور این است كه من شك دارم كه سخن مرا فهمیده باشی!

لَكِنْ؛ (لِتَكْمِيلِ الْعِبَارَةِ وَ لِرَفْعِ الْإِبْهَامِ) : ولی، امّا : برای کامل کردن پیام جمله و برطرف کردن ابهام از جمله بكار می رود.

﴿ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْمَلُونَ ﴾ : پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی دانستید.

لَيْتَ؛ (لِلتَّمَنِّي وَ الْمُنَى) : آرزو کردن : کاش، ای کاش : بیانگر آرزو است و به صورت « یا لَيْتَ » هم بكار می رود .

نکته ۱: اگر بعد از لَيْتَ فعل مضارع بكار رود به صورت مضارع التزامی معنی می شود.

لَيْتَ الشَّبَابَ يَعُودُ : کاش جوانی بازگردد!

نکته ۲: اگر بعد از لَيْتَ فعل ماضی بكار رود غالباً به صورت ماضی استمراری معنی می شود.

لَيْتَ التَّلَامِيذُ اجْتَهَدُوا فِي أُمُورِهِمْ! : کاش دانش آموزان در کارهایشان تلاش می کردند. (ماضی استمراری)

لَعَلَّ؛ (لِلتَّرَجِّي وَ الرَّجَاءِ) : امید داشتن : شاید، امید است، چه بسا. برای امیدواری بكار می رود.

نکته ۳: اگر بعد از لَعَلَّ فعل مضارع بكار رود به صورت مضارع التزامی معنی می شود.

﴿ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴾ : و آنگاه كه قرآن خوانده شود پس بدان گوش فرا دهید، امید است

مورد رحمت قرار گیرید.

تست نمونه :

۱- عَيْنِ الْحَرْفِ يَدُلُّ لِرَفْعِ الْإِبْهَامِ :

﴿ ۱ ﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿ ۲ ﴾ ... أَنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿

﴿ ۳ ﴾ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ ﴿ ۴ ﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿ .

۲- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ الْأَعْرَاضِ لِلْحُرُوفِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ :

﴿ ۱ ﴾ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿ : لِلتَّمَنِّي وَالْمُنَا !

﴿ ۲ ﴾ عَلِمْنَا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . : لِلتَّأَكِيدِ وَ الرَّجَاءِ !

﴿ ۳ ﴾ نَحْنُ مُتَدَيِّنُونَ وَ لَكِنَّ التَّدِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ : لِلإِتْمَامِ مَعْنَى الْجُمْلَةِ !

﴿ ۴ ﴾ كَانَ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ : لِلتَّشْبِيهِ !

۳- عَيْنِ الْحَرْفِ يَدُلُّ عَلَى الرَّجَاءِ :

﴿ ۱ ﴾ إِنَّ الْأَخْلَاقَ الْفَاضِلَةَ زِينَةُ الْعُقُلَاءِ دَائِمًا !

﴿ ۲ ﴾ اللَّهُ يَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَكِنَّكُمْ لَا تَعْلَمُونَ !

﴿ ۳ ﴾ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿

﴿ ۴ ﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿

۴- عَيْنَ الحَرْفِ يَدُلُّ عَلَى التَّأْكِيدِ :

- (۱) إِنَّ هَذِينَ الْبَلَدِينَ مُتَقَدِّمَانِ فِي الصَّنَاعَةِ وَ مَشْهُورَانِ فِيهَا!
(۲) كَانَهُ مُصْبِحٌ فِي الطَّرِيقِ يُخْرِجُ النَّاسَ مِنَ الْجَهَالَةِ!
(۳) أَنْتُمْ قَادِرُونَ عَلَى الْعَمَلِ وَ لَكِنَّكُمْ لَا تَعْلَمُونَ!
(۴) لَيْتِنَا مَا كُنَّا عَنْ عِبَادَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ غَافِلِينَ!

۵- عَيْنَ الحَرْفِ يَدُلُّ عَلَى التَّشْبِيهِ :

- (۱) لَيْتَ الْفُرْصَةَ تُغْتَنَّمُ لِيَسْتَفَادَ مِنْهَا أَكْثَرُ!
(۲) كَأَنَّ مَزْرَعَةَ الْقَمْحِ صَفْحَةٌ ذَهَبِيَّةٌ جَمِيلَةٌ!
(۳) كَأَنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ!
(۴) كَأَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يُرِيدُ أَنْ يَصِلَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى!

پاسخ تشریحی تست ها :

- ۱- گزینه (۲) : إِنَّ در گزینه (۱ و ۴) برای تأکید است . أَنَّ در گزینه (۲) برای ارتباط و لَكِنَّ به جهت رفع ابهام بکار رفته است.
در گزینه (۳) كَأَنَّ برای تشبیه بکار رفته است، زیرا هُنَّ را به یاقوت و مرجان تشبیه کرده است. لَعَلَّ در گزینه (۴) برای آرزو و تَمَنَّى است.
۲- گزینه (۲) : أَنَّ برای برقراری ارتباط به معنی که و إِنَّ برای تأکید و لَعَلَّ برای رجاء (امید) بکار می روند. بقیه گزینه ها صحیح است.
۳- گزینه (۴)

- گزینه ها : (۱) إِنَّ : للتَّأْكِيدِ (۲) لَكِنَّ برای کامل کردن پیام جمله و رفع ابهام از آن آمده است. - (۳) لَيْتَ : برای آرزو (لِتَمَنَّى) -
(۴) إِنَّ برای تأکید است ولی لَعَلَّ برای رجاء (امید) بکار می رود.

- ۴- گزینه (۱) : إِنَّ برای تأکید بکار می رود. (گزینه ها ۲- كَأَنَّ : تشبیه و شكّ - ۳- لَكِنَّ : تکمیل جمله و رفع ابهام - ۳- لَيْتَ : آرزو)
۵- گزینه (۲) :

- گزینه ها : (۱) لَيْتَ برای آرزو است (لِتَمَنَّى) - (۲) كَأَنَّ در این عبارت برای تشبیه بکار رفته است (مزرعه گندم را به صفحه طلایی زیبایی تشبیه کرده است.) (۳) و (۴) كَأَنَّ در این دو گزینه برای ایجاد شكّ و تردید است تا مطلب در ذهن مخاطب تثبیت شود. ترجمه گزینه ها :
(۳) گویا خدا رحم نمی کند به کسی که به مردم رحم نکند. (۴) گویا انسان نمی خواهد به خداوند متعال برسد!

نکته ۴: عمل حروف مشبّهة بالفعل :

حروف مشبّهة بالفعل بر سر جمله اسمیه می آیند، مبتدا را منصوب (مَـ) کرده آن را اسم خود می سازند و خبر را مرفوع (مَـ) باقی گذاشته و آن را خبر خود قرار می دهند، در این صورت مبتدا را اسم حروف مشبّهة بالفعل و منصوب و خبر را، خبر حروف مشبّهة بالفعل می گویند. . مثال : إِنَّ التَّلْمِيذَ مَجْدٌ ! (التَّلْمِيذُ: اسمِ إِنَّ و منصوب / مَجْدٌ : خبرِ إِنَّ و مرفوع)

نکته ۵:

به علامتهای رفع و نصب یکبار دیگر توجه کنید:

- رفع : (مَـ) ، (اِ) الف در اسم مثنی (انِ) و (و) در جمع مذکر سالم (و نَ)
نصب : (مَـ) ، (يَـ) در اسم مثنی (يِنِ) و (يَـ) در جمع مذکر سالم، (يِنِ)



تست :

۶- «لَيْتَ ... بأحكام القرآن !» . عَيْنُ الْخَطَا لِلْفِرَاقِ :

(۱) المسلمون، متمسكين (۲) ك، متمسك (۳) المسلمین، متمسکان (۴) ها، متمسكة

۷- « فَاعْلَمُوا أَنْ ... كانوا ... في عملهم ...! » . عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفِرَاغَاتِ :

(۱) المعلمون / مجدين / فلنتأمل (۲) الحاضرين / مستعدون / فلنتأمل
(۳) الناجحين / مجدين / فلنتأمل (۴) الصادقين / مستعدان / فلنتأمل

۸- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ عَلَامَاتِ الْمُثْنَى أَوْ الْجَمْعِ فِي الْعِبَارَاتِ :

(۱) إِنَّ هَاتَيْنِ الشَّجَرَتَيْنِ مُثْمِرَتَانِ فَاسْقِيَاهُمَا !
(۲) لَعَلَّنَا فَائِزُونَ إِنْ كُنَّا آمِرِينَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ!
(۳) لَيْتَ جَمِيعَ الْآبَاءِ يَكُونُونَ مُنْتَظِرِينَ لِيَصِلَ أَوْلَادُهُمْ إِلَى الْبَيْتِ !
(۴) اسْتَقْبِلِ الْمَدِيرُ التَّلْمِيزِينَ بِحَفَاوَةٍ فَاصْبِحَا مَسْرُورَانِ !

«رأبخص» ۹۵»

۹- عَيْنُ اسْمِ حُرُوفٍ مُشْبِهَةٍ بِالْفِعْلِ أَوْ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ عَلَامَةٌ إِعْرَابُهُ حَرْفًا :

(۱) إِنْ أُمِّي تَعَطَّفَ فِي كَلَامِهَا دَائِمًا فَاصْبِحِ الْحَنَّانِ صِفَتِهَا الدَّائِمِيَّةُ!
(۲) أَخَافُ مِنَ الْبَقْرِ الْوَحْشَى فَيَكُونُ لَهُ قَرْنَانِ وَ لَكِنْ لَيْسَ لَهُ عَقْلُ!
(۳) إِنْ الْعَطْشَانُ يَتَمَنَّى الْمَاءَ وَلَوْ قَلِيلًا حِينَ يَشْتَدُّ عَلَيْهِ الْعَطْشُ!
(۴) عَلَيْنَا أَنْ نَحَافِظَ عَلَى عِلْمِنَا بِجِدٍّ لِأَنَّ النِّسْيَانَ آفَةٌ لِلْعِلْمِ!

۱۰- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ إِعْرَابِ الْكَلِمَاتِ :

(۱) لَيْسَ الْأَبْيَضُ جَمِيلٌ دَائِمًا، فَإِنَّ الْكَفْنَ أَبْيَضَ وَ لَكِنَّهُ مَخُوفًا،
(۲) وَ لَيْسَ الْأَسْوَدُ قَبِيحًا دَائِمًا، فَإِنَّ الْكَعْبَةَ سَوْدَاءُ وَ هِيَ مَحْبُوبَةٌ،
(۳) قَبْلَ أَنْ تَرْفَعِي رَأْسَكَ وَ تَشْتَكِي مِنْ كُلِّ مَا لَيْسَ فِي يَدِكَ،
(۴) أَنْظِرِي إِلَى نَفْسِكَ وَ إِلَى كُلِّ مَا فِي يَدِكَ، لَعَلَّكَ تَكُونِينَ مِنَ الشَّاكِرِينَ!

پاسخ تشریحی

۶- گزینه (۱) :

در جای خالی اول باید اسم لیت بیاید که منصوب، و جای خالی دوم خبر لیت که مرفوع باشد. پس گزینه یک غلط است چون باید «المسلمین» منصوب شود به (ی) و «متمسکون» مرفوع شود به (واو). گزینه های دیگر: ۲ و ۴- ک و ها: اسم لیت و اسم مرفوع بعدشان خبر لیت می باشد. در گزینه (۳) «المسلمین»: اسم لیت و منصوب به (ی) و «متمسکان»: خبر لیت و مرفوع به حرف الف است.



۷- گزینه (۳): در جای خالی اول اسم آن و منصوب می آید (ردّ گزینۀ «۱» المَعْلُومُونَ چون مرفوع به واو است.) در جای خالی دوم خبر کان بکار می رود زیرا ضمیر واو در کانوا اسم کان هست و به خبر کان نیاز است. (ردّ گزینۀ «۲و۴» زیرا مُسْتَعِدُونَ مرفوع به واو و مُسْتَعِدَّانِ مرفوع به الف است.) ضمن اینکه قبلاً گفتیم، لامی (ل) که بعد از «ف» بر سر مضارع می آید لام امر است که باید آخر فعل را مجزوم کند. (ردّ گزینۀ «۲و۴»؛ زیرا آخر فعل ساکن نشده است.)

۸- گزینه (۴):

در گزینه (۴) «مَسْرُوران» خبر أصبحا است پس باید منصوب باشد «مَسْرُورِينَ» صحیح است. توضیح گزینه های دیگر: ۱- «هَاتِينَ»، اسم إنّ و منصوب به «ی» و «مُثْمِرَتَانِ» خبر إنّ و مرفوع به الف است. (نکته: اسم ال دار بعد از اسم اشاره تابع اسم اشاره قبلیش می باشد.) ۲- «فائزُونَ»: خبر «أَعْلَى» مرفوع، «آمَرِينَ»: خبر کان و منصوب (اسم ضمیر بارز نا) ۳- «منتظرین» خبر «کان» و منصوب به «ی» می باشد.

۹- گزینه (۲):

سؤال: اسم حروف مشبّهة بالفعل یا أفعال ناقصه إعراب به حرف داشته باشند، یعنی اسم مثنی یا جمع مذکر سالم باشند. پس ابتدا در گزینه ها بدنبال اسم مثنی و یا جمع مذکر سالم بگردید. بنا بر این فقط در گزینه (۲) کلمه «قَرَنان» به معنی «دو شاخ» اسم مثنی و اسم «یکون» می باشد و مرفوع به الف است.

گزینه های دیگر: ۱- «الحنان»: اسم مفرد و مصدر است به معنای «مهربانی»، مثنی نیست. «اسم أَصْبَحَ و مرفوع به ضمه» ۳- «العطشان»: اسم مفرد و صفت مطلق است به معنی «تشنه»، مثنی نیست. «اسم إنّ و منصوب به فتحه» ۴- «النسیان»: مصدر و اسم مفرد است به معنای «فراموشی، فراموش کردن»، مثنی نیست. «اسم أنّ و منصوب به فتحه»!

۱۰- گزینه (۱):

إعراب کلمات در گزینه (۱) غلط است. «الأبيض»: اسم لیس و باید مرفوع باشد. «الأبيض» صحیح است. «جميل»: خبر لیس و باید منصوب باشد، پس «جميلاً» صحیح است. «الکفن»: اسم إنّ است و باید منصوب باشد، پس «الکفن» صحیح است. «أبيض»: خبر إنّ و باید مرفوع باشد، پس «أبيض» صحیح است. «مخوفاً»: خبر لکن است و باید مرفوع باشد، پس «مخوفاً» صحیح است. در بقیه گزینه ها حرکات اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل و أفعال ناقصه صحیح است.

مطالعه: حرف «ما» به إنّ و أنّ متصل می شود و (إنّما، أنّما) معنای تنها و فقط میدهد و دیگر این حروف معنا و عمل قبلی خود را ندارند. یعنی علامت مبتدا را تغییر نمی دهند بلکه خبر را از نظر معنی در مبتدا محصور می کنند. مثال: **إنّما الله قادرٌ!** «إنّما» را از ادات حصر می گیرند (فقط خداوند توانا است.) یعنی توانا بودن در انحصار خداوند است. «إنّما»: از ادات حصر، «الله»: مبتدا و مرفوع و «قادرٌ»: خبر و مرفوع می باشند.

درسنامه ۲ - لای نفی جنس (ناسخه): لای نفی جنس برسر جمله اسمیه می آید و به آخر مبتدا یک فتحه می دهد و آن را اسم خود می سازد و معنای «هیچ...نیست» دارد، و خبر را مرفوع باقی گذاشته آن را خبر خود می سازد. مثال: لاشيءَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ. (شئیءَ : اسم لای نفی جنس و مفتوح، أَحْسَنُ : خبر لای نفی جنس و مرفوع)

تذکرات: ۱- بلافاصله بعد از لای نفی جنس اسم می آید، ۲- اسم پس از لا «ال» و تنوین نمی گیرد.

مثال: لا سيفَ أقطعُ مِنَ الحقِّ : هیچ شمشیری برنده تر از حق نیست

صورت های غلط لای نفی جنس:

❖ (۱) لا سيفاً أقطعُ مِنَ الحقِّ! اسم پس از لا تنوین گرفته نادرست است!

❖ (۲) لا السيفِ أقطعُ مِنَ الحقِّ! اسم پس از لا «ال» گرفته غلط می باشد!

۲- خبر «لا» نفی جنس در بیشتر موارد جار و مجرور است.

مثال ۱: لا خيرَ في قولٍ إلا معَ الفعلِ. (خیر اسم لای نفی جنس و منصوب «مفتوح، فتحه دار» و «فی قولٍ : جار و

مجرور و خبر لای نفی جنس و مرفوع و مبنی)

مثال ۲: اليومَ لا مجالَ للفرارِ. مجالَ: اسم لا و مفتوح، للفرارِ: جارو مجرور خبر لا و مرفوع (مبنی)

اگر جار و مجرور خبر شود در حکم مبنی است.

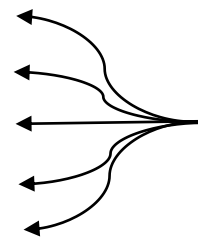
مطالعه: گاهی خبر لای نفی جنس حذف می شود و آن در دو موضع است. آن خبر محذوف کلمه «موجود» می باشد:

(۱) بعد از لا، إلا بیاید: لا إلهَ إلا اللهُ (إلهَ: اسم لا - و خبر لا «موجود» محذوف)

(۲) بعد از اسم لا جمله تمام شود: هو مُجدِّ و لاشكَّ! (شكَّ: اسم لا - و خبر لا «موجود» محذوف)

خلاصه انواع «لا» را یکبار دیگر در این درس با هم مرور کنیم:

- نفی (نافیه) + مضارع مرفوع / ترجمه ← مضارع منفی
- نهی (ناهیه) + مضارع مجزوم / ترجمه ← مضارع التزامی منفی
- جواب: در جواب «أ و هل» (آیا) به معنای «نه» می آید.
- نفی جنس: بر سر اسم می آید و معنای «هیچ... نیست» می دهد.
- عطف (عاطفه): بین دو کلمه یا جمله به معنی «نه» بکار می رود.



انواع «لا»

تست:

۱۱- عین «لا» النافية للجنس:

(۱) لا لك عملٌ آخرٌ!

(۳) لا أرى التجارة أنفع من اكتساب العلم!

۱۲- عین «لا» النافية للجنس:

(۱) اليومَ لا طالبةٌ في المدرسة!

(۳) ألا تعلمُ أن الله على كلِّ شيءٍ مُحيطٌ!

(۲) اللَّيْلَةَ لا نَجْمَ في السَّماءِ.

(۴) لا تَنَمُّو الزُّهورَ إلاَّ في حِداثِ ذاتِ بَهجَةٍ.

(۲) لا تَطْلُبُوا إلاَّ أَعْمالَ الخَيْرِ!

(۴) لِمَ تَقُولُ ما لا تَعْلَمُ، أَيُّها الإنسانُ!

۱۳- عین «لا» لنفی الجنس :

« انصافی ۹۲ »

- (۱) الَّذِي لَا يَعْمَلُ بِجَدِّ لَنْ يَرَى النَّجَاحَ فِي حَيَاتِهِ!
(۳) يَجِبُ أَنْ نَعْتَرِفَ بِأَنَّهُ لَا نَفْعَ فِي مَجَالَسَةِ الْجَهَّالِ!
- (۲) سَلَّمْتُ عَلَى صَدِيقِي لَا عَلَى جَمِيعِ الْحَاضِرِينَ!
(۴) إِنَّ أَخَاهُ لَا يَدْرُسُ فِي الْبَيْتِ، بَلْ فِي الْمَدْرَسَةِ!

۱۴- عین حرف «لا» نافیةً : (نفی)

« رهاصی ۹۴ »

- (۱) يَا عَاقِلُ! لَا تَتَفَكَّرْ فِي شُؤْنِ الْآخِرِينَ،
(۳) فَلَا أَحَدًا إِلَّا وَعِنْدَهُ مَشَاكِلُ فِي بَاطِنِ حَيَاتِهِ،
- (۲) فَلَا تَجْعَلْ بَاطِنَ حَيَاتِكَ مَعَادِلًا لظَاهِرِ حَيَاتِهِمْ،
(۴) لَا يَعْلَمُهَا أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى!

۱۵- عین الخطأ فی نوعیة «لا»:

- (۱) هَلْ هَذَا شَاعِرٌ جَلِيلٌ؟ لَا تَاجِرٌ نَشِيطٌ! (للجواب)
(۳) لَا يَذْهَبُ الْمُؤْمِنُ إِلَى مَجَالِسِ السُّوءِ! (لِلنَّهْيِ)
- (۲) قَلْتُ لَزِمِلْتِي : لَا شَكَّ فِي انْتِصَارِ الْحَقِّ! (لِلنَّفْيِ الْجِنْسِ)
(۴) لَا تَكْتُبْ بَيْنَ الزَّمِيلَيْنِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ! (لِلنَّفْيِ)

پاسخ تشریحی تست ها :

۱۱- گزینه (۲) :

در گزینه (۱) بعد از «لا» جار و مجرور «لَكَ» آمده است. و در گزینه (۳) بعد از «لا» فعل آمده که هردو نفی هستند. ولی در گزینه (۲) کلمه «نَجْم» اسم است پس «لا»، نفی جنس است.

۱۲- گزینه (۱) :

در گزینه (۱) بعد از «لا» طالبه اسم است ولی در سه گزینه دیگر بعد از «لا» فعل آمده است. (گزینه «۲» لا نهی و گزینه های ۳ و ۴ «لا» نفی است.

۱۳- گزینه (۳) :

اگر دقت کنید فقط کلمه « نَفَع » در گزینه سه اسم است که بعد از «لا» بکار رفته. در گزینه (۱ و ۲) بعد از «لا» فعل آمده که فعل مضارع منفی هستند و در گزینه ۲ هم بعد از «لا» حرف جرّ علی آمده و این «لا» حرف عطف است.

۱۴- گزینه (۴) :

در گزینه (۱ و ۲) «لا» نهی است زیرا جمله با مخاطب خود صحبت می کند و از روی «یا عاقل» و ضمائر مخاطب مشخص است که در معنای نهی بکار می رود. (لَا تُفَكِّرْ : فکر نکن - لَا تَجْعَلْ : قرار مده). در گزینه (۳) هم که بعد از «لا» اسم آمده پس لای نفی جنس است. اما در گزینه (۴) لَا يَعْلَمُ : نمی داند ، نفی است و چیز دیگری نمی تواند معنی شود.

۱۵- گزینه (۴) :

دقت کنید در گزینه (۴) «تَكْتُبْ» اسم است نه فعل و اینجا معنای فعلی ندارد. پس «لا» نفی جنس است. امروز بین دو همکلاسی هیچ نامه نگاری نشد.

گزینه ها : ۱- در جواب «هل» آمده پس «لا» حرف جواب است. ۲- بعدش اسم آمده پس «لا» نفی جنس است. ۳- «لا» بر سر مضارع آمده و در اینجا چون حرکت آخرش مشخص نیست، هر دو معنی (نمی رود «نفی» و نباید برود «نهی») صحیح می باشند.